

ادامه از صفحه ۷

سکوتر را شکسته‌ام

❧ راستی! اصلاحات قضایی روی چه نکاتی متمرکز بود؟

بحث و دغدغه قوققضاییه، اصالت حکم قصاص بود. در حالی که بحث من در فیلم، اصلا قصاص نیست. جلسات متعددی داشتیم و آنها معتقد بودند که مطرح کردن بحث‌های مرتبط با کودک‌آزاری خوب است اما این قضیه تا جایی پیش برود که شیرین اعدام نشود. طبعاً من قصدی برای زیر سوال بردن حکم الهی نداشتم. تأکید بیشتر روی بار اجتماعی قصاص بود. نباید جوری رفتار کنیم که افراد زخم‌خورده حرفشان را نتوانند بزنند؛ جامعه‌ای که اجازه ندهد صدای افراد زخم‌خورده شنیده شود، پس از مدتی با مرده‌های متحرک و انفعال گسترده رودرو خواهد بود و از ماهیت تهی خواهد شد.

❧ آیا بهتر نبود در فیلم نشان می‌دادید که خود «مراد»

هم در واقع یک جور قربانی است؟

صحنه‌ای در فیلم داشتیم که به آن اشاره می‌شد. در یک رویارویی میان مراد و شیرین، شیرین می‌خواست مراد را بکشد اما مراد در یک لحظه به حرف می‌آمد و می‌گفت که به خودش هم تجاوز شده است؛ اما اخب، ارشاد این صحنه را حذف کرد.

❧ چرا؟

دلایل خودشان را آوردند؛ بعد هم گفتند که در مورد مراد باید یک فیلم دیگر ساخت.

❧ اگر پایان فیلم شما را با «سکوتر بردها» مقایسه کنم، در صحنه آخر فیلم، هانیبال لکتر (آنتونی هاپکینز) پشت به دوربین، در نمای لانگ شات که کریین، رو به بالا می‌رود و او کلاه به سر، وارد جامعه می‌شود؛ صحنه تکان‌دهنده‌ای دارد که به نوعی اخطار خودش را می‌دهد؛ اما در فیلم شما، در پایان، دختر بچه‌ها خندان به سمت دوربین می‌دوند؛ چرا؟

نسلی تازه در راه است. باید هشدار می‌دادم که نگذاریم خنده‌های معصومانه این بچه‌ها، تبدیل به بغض‌ها و ناله‌های افرادی چون شیرین شود. این پایان در خودش، یک روشنی و امیدوی هم دارد و به اصطلاح باز است؛ فکر کنم مناسب‌ترین شکل پایان‌یابی بود با توجه به نظراتی که روی حکم قصاص هم داشتیم.

❧ چرا مشخص نیست که شیرین بالاخره اعدام

می‌شود یا نه؟

اینطوری شاید با مشکلی دیگر روبه‌رو می‌شد؛ گو آنکه مساله شیرین را گفته بودم، همه می‌دانیم که ته داستانش چه می‌شود، ستم‌جات و اصرار زیاد روی آن هم ضرورتی نداشت. من می‌خواستم ما به بعد از شیرین و بیشتر به آینده فکر کنیم.

❧ البته این معضل در سطح جهان هم مطرح است. به‌ا شرم‌آور است، اخیراً پاپ بندیکت شانزدهم از مردم عذرخواهی کرده؛ چرا؟ چون در کلیسا به بچه‌ها تجاوز می‌شد؛ مثلاً «پاپ وینفری» را ببینید که شخصیتی شناخته‌شده است و خودش قربانی این معضل فیلم «تلما و لوییز» بادت هست؟ من زن بودم که می‌خواستند ازآناه به سفر بروند؛ اما دیدیم که چه پالاهایی به سرشان آمد.

❧ در آن جوامع هر که مورد تجاوز قرار گیرد، فوری به حرف می‌آید؛ اما در جامعه ما اصلاً اینطور نیست؛ چرا؟ ساختارهای فرهنگی ما به دلیل اصرار بر اخلاق‌مداری در ظاهر و رهاکردن باطن، مردم را به سمت مخفی کردن و پنهان نگاهداشتن همه چیز سوق داده؛ و گاهی مثل همین فیلم، روی آن لایه تغفن کشیده است؛ اینجا به ظاهری خوش آبیرونگ بیشتر اقبال نشان دادم؛ اما هر چیز دیگری؛ در حالی که آنجا، با چنین مسایلی به‌صورت علنی برخورد می‌کنند و واهمه اصلی از آن کتاب اعمال زشت است نه لا‌پوشانی آن.

❧ از فروش فیلمتان راضی هستید؟

به نظرم اگر دسترسی بیشتری برای مردم فراهم کنیم بسیار بیشتر مورد استقبال قرار خواهد گرفت؛ مردمی که من دیدم از دین فیلم راضی برمی‌گردند.

❧ چطور؟

چون ما هم سالن درستمردان کم داریم و هم اینکه، تبلیغات چندانی نداشتیم؛ باور کنید تبلیغات فیلم از طریق خود مردم بیشتر صورت پذیرفته است تا از طریق ما.

❧ شنیدم که تلویزیون تیزرهای فیلم را رایگان پخش می‌کند.

فقط این فیلم نیست، «هلیز» و چند فیلم دیگر هم تیزر رایگان داشتند.

❧ سومین دهه فعالیتتان در سینمای ایران است و دوام آوردن در آن، زیاد هم ساده نبوده و نیست!

وقتی به اطراقم نگاه می‌کنم و این‌همه اجحاف را در جامعه می‌بینم، به‌عنوان خودم، باید بگویم که هنوز اوضاع برای من مساعد است؛ خیلی از اوقات با دیدن دردهای مردم، درد خودمم یادم می‌رود. یادم هست وقتی فیلم «بچه‌های لیدی» را ساختم کلی ضرر کردم، وقتی فیلم «روایات خیس» را ساختم، ازم خواستند تا پایان‌بندی آن را دوباره فیلمبرداری کنم؛ چرا؟! بعد در پخش خانگی، متوجه شدم که چقدر این فیلم‌ها بیننده و طرفدار داشتند و دارند. به‌عنوان یک فیلمساز، فیلم‌های من مورد ظلم واقع شده‌اند؛ به دلیل شرایطی که برایم به وجود آمده، راهمایی را که برایم سد کرده‌اند و مسیرهایی را که تغییر داده‌اند، همه باعث گلايه و ناراحتی من است؛ به‌ویژه حالا که سکوتر را هم شکسته‌ام؛ اما چه کنم که دردهای مردم را بسیار بیشتر از دردهای خودم می‌بینم و امیدوارم بتوانم قدمی هرچند کوچک برای رفع آن بردارم.

❧ «هیس! دخترا هر فریاد نمی‌زند» یکی از گزینه‌های معرفی به اسکار امسال است، نظر تان چیست؟

چند جایی حرف‌هایی درباره آن زده شده است، من اطلاع و اتقی از چیزی ندارم، طبعاً اگر صلاح باشد و مقدر شود، اتفاق می‌افتد.

❧ و حرف آخر؟

حالا، مقداری آرام‌تر شده‌ام. باید به فکر چاره‌جویی و آینده این سرزمین بود؛ و این، هیچ‌چیز کمی نیست.

هنر

بغض ۸ ساله شاعران شکست

جنتی: همه را به یک چشم می‌بینم

فرزانه ابراهیم‌زاده



عقب، حامد ملکپور

گفتند، بعضی از آنها هشت‌سال است که از میدان بهارستان و خیابان کمال‌الملک نگذشته بودند. سهیل محمودی، ساعد باقری و فاطمه راکی از این جمع بودند. سهیل محمودی در بخشی از این نشست با بیان اینکه آنهایی که با کلمه سروکار دارند، می‌دانند ذات ادبیات و کلمه با پرسشگری همراه است، گفت: «شما به راحتی می‌توانید شمار زیادی کارمند ادبیات داشته باشید؛ اما رفیق و همفکر پرسشگر به همین راحتی نیست، برای به‌دست‌آوردن پرسشگر باید تلاش کرد. پرسشگری ذات ادبیات و شاعری است و لوچ عروج شاعران بزرگ در ادوار مختلف

تاریخ ایران و جهان پرسشگری بوده است.»محمودی که گفت: «ادب شعر به ز دولت اوست»، افزود: «شعر لازم نیست دولتی باشد. باید در حوزه فرهنگ با سینه باز و گشاده آدهای مخالف و پرسشگر را پذیرفت. پرسشگری به ما معنا و حیات می‌دهد. از سال ۱۳۰۰ تا امروز که نیماي بزرگ طرحی دیگر انداخت، نام او روزبه‌روز بالنده‌تر

می‌شود و آنهایی که نیما از ترس‌شان در خانه‌اش می‌لرزید، روزبه‌روز سرفاکنده‌تر و بدنام‌تر می‌شوند. ادبیات بله‌قربان‌گو راه به جایی نمی‌برد. ما باید بتوانیم فکر‌ها و اندیشه‌های گوناگون را زیر چتر بگیریم. مهم این است که بتوانیم با هم حرف بزنیم؛ ساعد باقری هم که گفت وقتی شنیده علی جنتی وزیر فرهنگ می‌شود، خوشحال شده با استناد به نطق وزیر ارشاد در جلسه

سخن گفته‌ام از اهالی سینما و مطبوعات و ادبیات و کتاب، تأکید کرده‌ام که برخورد ما با همه اهالی فرهنگ و هنر برخوردی برابر خواهد بود. در حوزه مطبوعات چه آنها که با دولت مخالفند و چه آنها که موافقت، ما به‌عنوان دولت جمهوری اسلامی ایران باید همه را با یک چشم نگاه کنیم.» یکی از گله‌های مهم شاعران در این نشست نگاه گزینشی بود. نکت‌های که جنتی به آن پاسخ داد: «ما حق نداریم گزینشی نگاه کنیم؛ ما باید طبق قانون عمل کنیم.

همه کسانی که در حوزه‌های موسیقی، هنر‌های نمایشی، هنر‌های تجسمی و سینما، تلاش می‌کنند، برای ما عزیز هستند و ما وظیفه‌مندیم که عزت و کرامت آنها را حفظ کنیم.» در این نشست مصطفی رحماندوست از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به‌عنوان «خانه نامادری نامهربان» نام برد. جنتی در پاسخ به این گله گفت: «من در سخنرانی خودم در مجلس در هنگام اخذ رای اعتماد این‌را هم گفته‌ام که سالیان دراز زانو زدن در محضر اساتید بزرگ حوزه علمیه این را به من آموخته که انتقادپذیر باشم و شما خواهید دید انشاءالله تا زمانی که در این جایگاه هستم، شنونده خوبی برای انتقادهای شما خواهم بود که همه آنها را به جان خریدار خواهم بود و در رفع معایب و نقایص و نارسایی‌ها خواهم کوشید.»

حضور در وزارت تاخته پس از ۸ سال

در ابتدای این نشست شاعران آمند از درد دل‌هایشان

گلایه همه‌گیر

بود. به همین دلیل کمتر به مسایل ملی پرداختیم. به‌نظم یکی از مشکلات اصلی در حوزه کتاب، پایین‌بودن تیراژ کتاب‌هاست. کتاب‌های من در سال‌های ۵۸ و ۵۹ با تیراژ ۵۰۰هزار نسخه به چاپ می‌رسید و حتی یکی از کتاب‌هایم بعد از چندبار چاپ به ۲۰۰هزار نسخه نیز رسیده بود؛ اما الان ناشران با تیراژ هزارنسخه کتاب‌ها را منتشر می‌کنند درحالی‌که جمعیت زیادت و تعداد بی‌سوادها کمتر شده است. اگر تیراژ کتاب‌ها در گذشته ۳۰هزار نسخه بوده است با توجه به شرایط امروزی و درنظرگرفتن این موضوع که قیمت‌کتاب در مقایسه با افزایش قیمت دیگر کالاها رشد خیلی زیادی نکرده است، الان کتاب‌ها باید ۶۰هزار نسخه تیراژ داشته باشند. در تحلیل این مساله باید به این نکته توجه کرد که پایین‌بودن تیراژ کتاب تنها به اقتصاد برنمی‌گردد و معضل اصلی این است که مطالعه در کشور ما لذت خود را از دست داده است. بنابراین اگر می‌خواهیم کتاب جایگاه مناسبی در جامعه داشته باشد، باید در ابتدا به این پرسش پاسخ دهیم که چرا کتاب خواندن لذت خود را از دست داده است؟ بعد از اینکه محورهای این بحث مشخص شد باید به برنامه‌ریزی برای رشد کتابخوانی بپردازیم. این برنامه هم کلان است و مسوولیت آن تنها برعهده وزارت ارشاد نیست یعنی ارگان‌های دیگر مانند آموزش‌وپرورش، صداوسیما، بهزیستی و... هم باید در این کار مشارکت داشته باشند تا علاوه بر افزایش رشد کتاب، شاهد زیادت‌شدن مراجعه به کتابخانه‌ها نیز باشیم.

رای اعتماد از مجلس شورای اسلامی از انتخاب او ابراز امیدواری کرد و گفت: «امیدواریم به پیمانی که بسته‌اید، وفادار بمانید و عمل کنید»

خانه نامادری

مصطفی رحماندوست که با شعرهای کودکانه‌اش آمده بود، از هشت‌سال سیاه فرهنگ یاد کرد: «در هشت‌سال گذشته من ارشاد را دور انداخته بودم. بارها ما را دعوت کردند، اما من هرگز به آن نشست‌ها نرفتم. با اینکه سال‌هامدیرکل دفتر مجامع ارشاد بودم، در مقاطعی مشاور وزیر ارشاد بودم و بازنشسته ارشاد هستم، حتی برای پیگیری کار بیمه فلان هم نرفتم و رغبتی برای رفتن نداشتم.» او با استناد به صحبت‌های جنتی درباره اینکه وزارت فرهنگ و ارشاد خانه مادری هنرمندان است؛ گفت: «وزارت ارشاد هیچ‌وقت خانه هنرمندان نبوده است. در نهایت خانه نامادری نامهربانی بوده است و اکنون هم در عین امیدواری با تردید آمده‌ایم. جناب وزیر یک نفر مشاور غیرارشادی را اختیار کنید تا شماره‌های کتاب هفته و ماهنامه‌های ادبیات ماه و فلسفه و دیگر حوزه‌ها را ورق بزنند، ببینید اسم چه کسانی در این هشت‌سال نبوده و چه اسم‌هایی بسیار تکرار شده است. کتاب چه کسانی تیراژ کامل چند چاپش خریده شده است و کتاب‌های چه کسانی مجوز نگرفته است. البته که باید خانه را میزبان آب و جارو کند تا لایق میهمان شود و شما میزبان هستید. من نمی‌دانم این رفت و آمد هنرمندان و دیدارها تا چه زمانی ادامه خواهد داشت، اما امیدوارم این آراشش نسبی که در کشور حاکم شده است، بر وزارت ارشاد نیز اثر بگذارد.» رحماندوست از وزیر در خواست کرد معاونت فرهنگی را برعهده فرد اهل کتاب، چاپ، قلم و کاغذ بگذارد که اگر اهل سانسور هم هست، آدمی باشد که بتوان با او حرف زد.

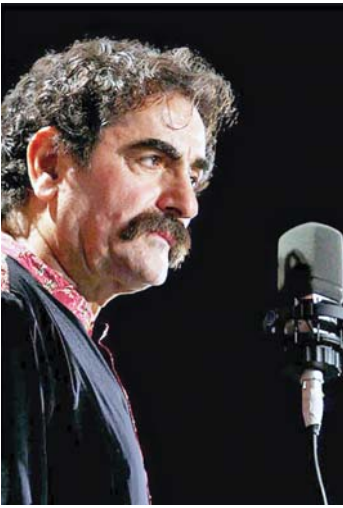
هنری بدون بار مالی

در این نشست علی موسوی‌گرم‌رودی و حمیدرضا برقی شعرخوانی کردند. اما آخرین کسی که صحبت کرد، غلامعلی حدادعادل نماینده مجلس و رییس فرهنگستان زبان و ادب فارسی بود که از تلاش زمی‌اش برای انتخاب علی جنتی با رای بالا گفت. حدادعادل به جای وزیر در پاسخ به دغدغه‌های شاعران گفت: تنها هنری که هیچ بار مالی ندارد هنر شعر است. سینماگران و هنرمندان دیگر اسباب و وسایل برای کارشان می‌خواهند اما شعر هیچ وسیله‌ای جز اندیشه و کلام نمی‌خواهد. او شاعران را ای‌توقع‌ترین هنرمندان دانست و گفت: شما وقتی از شاعران کمک می‌خواهید، آنها کمکتان می‌کنند بدون اینکه هیچ توقعی داشته باشند. آنها تنها احترام و حرمت و وسیله نشر اشعارشان را می‌خواهند. حدادعادل در انتها شعرش را که از کتاب‌های درسی حذف شده است، خواند.

چهاره روز

جزییات کنسرت خبریه ناظری برای دختران «شین‌آباد»

● شرق: شوالیه آواز ایران با روی صحنه رفتن در تهران، بخشی از عواید کنسرت خود را به دختران آسیب‌دیده روستای شین‌آباد پیرانشهر اختصاص می‌دهد. شهرام ناظری در پیمانی به این مناسبت گفت: «همه ما در آستانه سال جدید تحصیلی و بازگشایی مدارس، به یاد دخترانی هستیم که در حادثه آتش‌سوزی مدرسه دخترانه روستای «شین‌آباد» پیرانشهر آسیب دیدند. من هم به نوبه خود برای همدردی با این دختران روزهای ۲۸ و ۲۹ شهریور روی صحنه می‌روم.» این کنسرت ساعت ۲۱ روزهای ۲۸ و ۲۹ شهریور در سالن میلاد نمایشگاه بین‌المللی تهران (خیابان ستؤل) برپا می‌شود. در این کنسرت شماری از هنرمندان مطرح کشور هم حضور خواهند داشت. ناظری



در این اجرا، قطعات خاطره‌انگیز و معروف خود همچون «اما درس سحر در ره میخانه نه‌ایم»، «یادگار دوست»، «اندک‌اندک جمع مستان می‌رسد»، «دل‌نزد کسی بنشین که او از دل خیر دارد»، «آتش در نیستان»، «الا یا ایها ساقی، ادر کاسا و ناولها» که عشق آسان نمود اول، ولی افتاد مشکل‌ها»، بخشی از «لولیان» و «چه دانستم که این سود مرا زین‌سان کند مجنون» را روی صحنه می‌برد. همچنین بخشی از این کنسرت به موسیقی کردی اختصاص دارد. در این کنسرت گروه «مولوی» ناظری را همراهی خواهد کرد. دوستداران و علاقه‌مندان برای تهیه بلیت و مشارکت در این حرکت خیرخواهانه، به سایت www.84200.ir مراجعه کنند یا با شماره تلفن ۸۴۲۰۰ شرکت «روایال هنر پارس» تماس بگیرند.

قلک کوچک شما، حامی بزرگ کودکان محک

فقط با تکیه‌به کمک‌های شما از سال ۱۳۷۰ تاکنون موفق‌به حمایت همه‌جانبه از ۱۹۰۰۰ کودک

مبتلا‌به سرطان و خانواده‌های آن‌ها شده ایم. در سال گذشته با کمک‌های انسان‌دوستانه شما،

مانند قلک‌های کوچکتان، هزینه‌درمان بالغ بر ۹۰۰۰۰ کودک مبتلا‌به سرطان از سراسر ایران

مانند جراحی، شیمی‌درمانی، رادیوتراپی، دارو، اقامت بیمارستان و هزینه‌های حمایتی شامل

مشاوره روانشناسی برای کودک و خانواده، تحصیل، پوشاک و امور رفاهی را تامین کرده ایم.

قلک‌های شما از کودکان محک حمایت همه‌جانبه می‌کند.

اگر مایلید یکی از قلک‌های محک را مهمان خانه یا محل کار خود کنید

با شماره ۰۲۱-۲۳۵۴۰ تماس بگیرید.

